

# معاد

آیت الله حسین نوری

هشیاری و بیداری به زندگی خود در جهان دیگر ادامه میدهد.

هر چند بدن انسان معمولاً بعد از مرگ میسوسد و اعضاء بدن از هم جدا و متلاشی میشود و بصورت یک مشت خاک در میآید و این یک مشت خاک ممکن است جزیه خاکهای بیابان و یا جزیه ساختمانها شود یا در اعماق دریا قرار بگیرد ولی روح انسان که شخصیت و اساس زندگی وی وابسته به آن است همچنان پس از مرگ باقی میماند و بزندگی خودبه تناسب اعتقادات و اخلاق و اعمالی که در زندگی دنیا داشته است در عالم دیگری به نام «عالم برزخ» در جسم مخصوصی که «قالب مثالی» نامیده میشود ادامه میدهد تا روزی که «روز قیامت» نام دارد خداوند متعال با علم و قدرت خود ذرات آن بدن را درهرجا که باشد جمع می کند و دوباره کالبد وی را تشکیل میدهد و روح او را با آن مرتبط میسازد تا درباره اعمال وی که بایگانی و در خزینه با امانت خداوندی نگهداری شده است قضاوت عادلانه الهی صورت بگیرد و برآن اساس زندگی خود را سرانجام در بهشت یا جهنم بدست بیاورد.

وبازگشتن است و منظور از آن این است که زندگی انسان پس از مرگ و همچنین نتیجه اعمال وی در صحنه دیگری به او برمیگردد که «معاد» نه تنها از اصول دین اسلام است بلکه در کلیه ادیان الهی بعنوان یک اصل شناخته شده است.

باید دانست که موضوع «معاد» از دو جهت برای انسان حائز کمال اهمیت است:

۱- از جهت اینکه با سرنوشت انسان ارتباط دارد و انسان به دانستن سرنوشت خود علاقه مند است و لذا انسان میخواهد بداند که آیا زندگی وی محصور و محدود بهمین چند روز زندگی دنیا است و بواسطه مردن طومار زندگی وی درهم پیچیده میشود و پرونده زندگی او خاتمه پیدا می کند یا اینکه دارای زندگی جاوید است و مرگ بمعنای نابود شدن نیست بلکه عامل انتقال از صحنه ای به صحنه دیگر بلکه صحنه های دیگر که با اعمال وی ارتباط دارد میباشد؟ باید توجه داشت که در این مورد «براهین معاد» این مطلب را اثبات می کند که انسان دارای زندگی جاوید است و انسان نه تنها با مردن نابود نمیشود بلکه بیدارتر و هشیارتر می گردد و در پرتو این

چنانکه در یک ساختمان، دو قسمت مشخص وجود دارد یکی پایه و زیربنا و دیگری خود ساختمان و همچنین در یک درخت ریشه و شاخه موجود است دین اسلام نیز از این ۲ قسمت:

۱- اصول دین

۲- فروع دین

بوجود آمده است که «اصول دین» بمنزله زیر بنای ساختمان و ریشه درخت و «فروع دین» مانند ساختمان و شاخه های درخت میباشد.

اصول دین با گرایش قلبی ارتباط دارد و اعتقاد و ایمان به آن وظیفه دل و نیروی درک انسان است و فروع با عمل انسان مربوط می گردد و باید عملاً مورد رعایت قرار بگیرد.

اصول دین اسلام سه تا است:

۱- توحید

۲- نبوت

۳- معاد

ما بتوفیق خداوند متعال بحث خود را در اینجا درباره اصل سوم یعنی: «معاد» آغاز می کنیم: «معاد» مصدر میمی بمعنای عود

## \* اصول سه گانه دین اسلام

### \* ارتباط معاد با سرنوشت انسان

### \* تأثیر ایمان به معاد در عمل

## \* اصول دین عقلی است



### اصول دین عقلی است

باید دانست که اصول دین بطور کلی عقلی است یعنی براساس براهین عقلی استوار گردیده است و لذا لازم است هر فردی در آن تحقیق کند و با درک و عقل خود با براهینی که درباره هر یک از آن وجود دارد آشنا شود و بر آن اساس آنرا بپذیرد و گرایش قلبی نسبت به آن پیدا کند و این دلائل و براهین آنقدر محکم و استوار است که حقیقت امر برای هر فرد عاقل و منصف که در این راه گام بردارد بطور کامل روشن می‌گردد و لذا در اصول دین «تقلید» و «تعبد» هرگز صحیح نیست.

و مطالبی که در قرآن کریم و نهج البلاغه و سایر آثار دینی درباره اثبات اصل معاد آمده است همه آنها تأیید و تثبیت حکم عقل است.

ما با تفصّل و توفیق خداوند بزرگ در ادامه این بحث در شماره آینده به ذکر براهین معاد خواهیم پرداخت.

۱- سوره لقمان- آیه ۱۶

ادامه دارد

الهی خواهیم پرداخت- این حقیقت را با روشنی اثبات می‌کند که گفتار یا کردار کوچک یا بزرگ کم یا زیاد هرگز گم و نابود نمی‌شود بلکه در مزرعه این جهان کشته میشود و روزی آثار و میوه‌های همه آنها ظاهر و متجلی خواهد شد و برای کردارها و گفتارهای انسانها پرونده‌های دقیق از جانب خداوند تشکیل و دستگاههای ضبط و بایگانی و فیلبردراری حساس دنبال این اقوال و اعمال در جریان است و هیچ عمل نیکی بدون پاداش و هیچ کارناپسندی بدون کیفر نخواهد ماند و با بررسی دقیق انتقام مظلومان و محرومان از ستمگران و مستکبران کشیده خواهد شد.

در این مورد برای بیان این مطلب از بیان رسای قرآن مجید کمک می‌گیریم که میفرماید:

«بِأَيِّ آيَاتِنَا إِنَّكَ مُنْجَلِ خَبْرٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِيَّ صَخْرَةً أَوْ فِى السَّمَاءِ أَوْ فِى الْأَرْضِ يَأْتِي بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»<sup>۱</sup>

«ای فرزند من (لقمان به فرزند خود می‌گوید) اگر اعمال خوب و بد مردم به اندازه خردلی در دل سنگ یا اوج آسمانها یا در اعماق زمین پنهان باشد خداوند همه را به حساب می‌آورد که خداوند بر همه چیز دانا و آگاه است.»

۲- از جهت تأثیری که در اعمال انسان در زندگی دارد چه اینکه انسان میخواهد بداند که آیا کارهای نیکی که براساس عقل و دین آنها را برای خود وظیفه‌ای تشخیص داده و در زندگی به انجام آنها پرداخته دارای پاداشی در جهان دیگر میباشد یا نه؟ و کارهای ناپسندی که عقل و دین ارتکاب آنها را ناروا میدانسته است از او سرزده است دارای کیفر و مجازات در صحنه دیگر میباشد یا نه؟ آیا به ستم‌ها و تجاوزهایی که قدرتمندان در پهنه این دنیا درباره مظلومین مرتکب می‌گردند در صحنه دیگری رسیدگی بعمل خواهد آمد آیا احقاق حق صورت خواهد گرفت یا نه؟ آیا انتقام مظلومین از ظالمان کشیده خواهد شد یا نه؟ و آیا اعمال انسان مانند بذری است که در مزرعه اینجهان کشته میشود و در جهان دیگر این بذرها به ثمر خواهد رسید؟

یا اینکه کارهای وی مانند دانه‌هایی است که بر روی سنگ‌ها پاشیده شده و در دل صخره‌ها و در پهنه بیابانهای شوره‌زار ناپدید شود که هرگز بثمر نخواهد رسید؟ کدام است؟

لازم است بدانیم که در این مورد نیز براهین معاد - چنانکه بذکر آنها با توفیق